■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۳ محرم ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۷۵۳ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Saturday-September12,2020

حدیث روز: نهج‌الفصاحه

پیامبر اسلام (ص)

صله‌رحم، خوش‌اخلاقی و خوش‌همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.

پلک احساس: حافظ

در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع

امروز در تاریخ:

- درگذشت شیخ‌محمد خیابانی، فعال سیاسی دوره انقلاب مشروطه (۱۲۹۹ ش)
- درگذشت عطاءا... کاملی، دوبلور پیشکسوت (۱۳۸۷ ش)
- اختراع آسانسور (۱۷۸۰ م)
- اولین تصادف اتومبیل منجر به مرگ در آمریکا (۱۸۹۹ م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۰ — غروب آفتاب: ۱۹/۱۶
اذان مغرب: ۱۹/۳۴ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۸
اذان صبح (فردا): ۵/۲۱ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۶

پیش‌بینی آب و هوا شنبه

تهران	اهواز	اصفهان	بوشهر	تبریز	رشت	خرم‌آباد	مشهد
۳۲ / ۲۱	۴۶ / ۲۷	۳۲ / ۱۳	۳۸ / ۳۰	۳۲ / ۱۷	۳۰ / ۲۲	۳۷ / ۱۷	۳۰ / ۱۴

حکمت ۱۶۰: نهج‌البلاغه

هر که ملک یابد، همه چیز را برای خود خواهد.

خودنویس

مشکل از جای دیگر است

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

مجازی را ورق می‌زنی، پست‌ها و مطالب یکی در میان در اعتراض به حذف تصویر دو دختر از جلد کتاب ریاضی مدارس ابتدایی است، اعتراض‌ها بالا گرفته و یکی به طنز و یکی به جد حرفش را زده؛ مقام دولتی توییت می‌کند جلد شلوغ شده بود، مفاهیم ریاضی گم بودند و مجبور بودیم. طراح، پست اینستاگرامی می‌گذارد که بی‌اجازه توی طرحی که من خالقش بوده‌ام دست برده‌اند، من نشسته‌ام و نگاه می‌کنم و فکرم می‌رود سمت این‌که من و همه هم نسل‌هایم و همه نسل‌های قبل از من و بعد از من باید دوازده سال شش‌ونیم صبح از خواب بیدار می‌شدیم و جایی حوالی بعدازظهر به خانه می‌آمدیم، مشق می‌نوشتیم، پاک‌نویس می‌نوشتیم و ثلث اول و دوم و سوم را پاس می‌کردیم. دوازده سالی که هم زبان عربی یاد می‌دهد هم انگلیسی هم تاریخ و هم جغرافی و هم علوم اجتماعی. بینی و بین‌ا... کدام‌مان با همان آموزه‌های عربی و انگلیسی مدرسه می‌توانیم توی کربلا و استانبول یک آدرس بپرسیم؟ یک لطفا چای می‌خواهیم بگوییم، کدام‌مان می‌دانیم چالدران کجاست و بجنورد، بروجرد، بیرجند و بروجن کجایند، اصلا نمی‌خواهم سراغ انتگرال و معادلات چند مجهولی بروم، من به این فکر می‌کنم که مشکل جلد کتاب‌ها نیست، مشکل داخل کتاب‌هاست، مشکل دخترکان کارتونی روی جلد نیستند، مشکل دخترکان واقعی کپرنشین و کومه‌نشینی هستند که در سیستان و بلوچستان، ایلام، کرمان، کردستان و هر شهر و روستایی نمی‌توانند درس بخوانند. همین دخترکان گل‌فروش پشت چراغ قرمزهای تهران خودمان؛ گل‌هایی که شرایط اولیه تحصیل را ندارند و چه بسا هرکدام‌شان یک مریم میرزاخانی سوخته باشند.... مشکل قشر مظلومی هستند که معلم نام دارند و با حقوقی حداقلی مجبورند از جانشان مایه بگذارند و در آخر هم دیوار کوتاه‌شان سیبل فحش‌ها و ناسزاها باشد. نه رفیق! دوتا دختر کمتر و بیشتر خیلی دغدغه‌ای نیست که سر آن یقه جر بدهیم، مشکل جایی است که بیهقی، نظامی و سعدی حذف می‌شوند و به جای درک شعر زیر کلمه‌های سختش بچه‌ها خط می‌کشند و از تویش نکته کنکوری درمی‌آورند.

کافه میرداماد

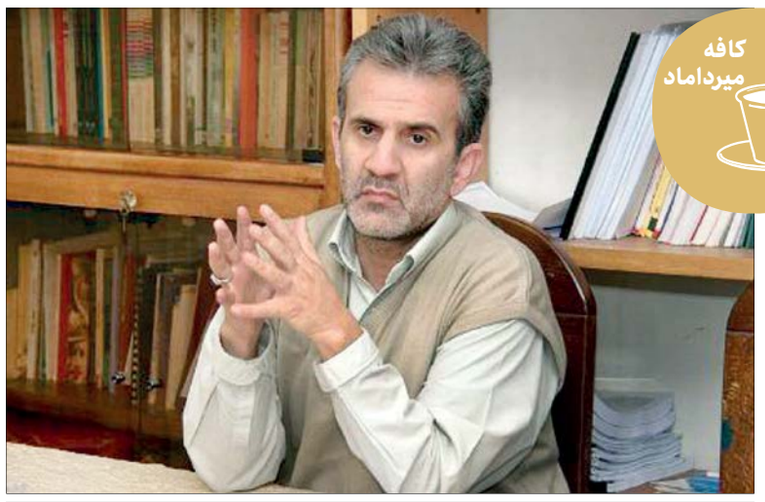

گفت‌وگو با دکتر سیدحسن موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران

مثبت‌نگری ضرورت جامعه امروز است

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

آدم‌ها دوگونه‌اند، آنهایی که طبق یک توصیه قدیمی به جای لعنت فرستادن به تاریکی، شمعی روشن می‌کنند و آنهایی که در تاریکی به زندگی ادامه می‌دهند و نق می‌زنند، فحش می‌دهند و تاریکی برای خودشان و دیگران را عمیق‌تر و سیاه‌تر می‌کنند. آدم‌ها دو گونه‌اند آنهایی که مثبت‌نگری و امید را دوست دارند و می‌گردند و آدم‌های مثبت و امیدوار را پیدا می‌کنند تا تاب‌آوری خود را تقویت کنند و آنهایی که آدم‌های امیدوار و مثبت‌نگر را مسخره می‌کنند و به آنها القابی مانند بی‌تفاوت و سیب‌زمینی می‌دهند و می‌گویند روان‌شناسی زرد و عامیانه باعث شده برخی از آدم‌ها در میانه همه مشکلات به روزنه‌ای نگاه کنند که نوار بسیار باریکی از نور از آن می‌تابد و تلاش می‌کنند این روزنه را به دریچه تبدیل کنند. به نظر این گروه، زندگی در ذات خود سخت و مشکل نیست بلکه این شرایط زندگی است که گاهی سخت می‌شود اما شرایط همیشه ثابت نیست و به قول حافظ: دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت / دائما یکسان نباشد حال دوران، غم‌مخور

این غم‌نخوردن نشانه بی‌رگ بودن نیست، بلکه نشانه ایمان و امید به روزهای بهتر است، نیرویی که در ذات و فطرت انسان‌ها وجود دارد.

برای توصیف این امید و اما و اگرهایش با دکتر موسوی چلک، هم‌صحبت شدم، دکتری که بر این باور است انسان بدون امید تبدیل به مردابی راکد می‌شود که کم‌کم می‌پوسد و بوی تعفن می‌گیرد. امید یکی از گسترده‌ترین معانی در زندگی بشر است که از زوایای مختلف می‌توان به آن نگاه کرد.

رابطه اقتصاد با امید اجتماعی

دکتر چلک می‌گوید: امید به زندگی به سن و سال افراد ربط دارد. آخرین آمار در ایران نشان می‌دهد که امید به زندگی در زنان ۷۶ سال و در مردان ۷۴ سال بوده و به این معناست که بعد از ۶۰ سالگی، افراد چقدر سالم و امیدوار زندگی می‌کنند. این روند نسبت به سال‌های گذشته رو به رشد بوده و دلیل این رشد بیشتر شدن خدمات اجتماعی، درمانی و فراگیری اطلاعات در میان افراد است.

درباره امید اجتماعی و فردی پژوهش‌های مستند زیادی وجود ندارد، اما از آنچه که موجود است می‌توان به این نتیجه رسید که امید اجتماعی در جامعه ما زیاد حالش خوب نیست. پژوهشی که دو سال قبل درباره سلامت روان انجام شد و از ۶۰۰۰ نفر سوالاتی شد، نشان داد که بیشتر مردم ایران دچار نگرانی‌هایی هستند که امید اجتماعی آنها را پایین می‌آورد. نگرانی از فوت اطرافیان، نداشتن امنیت شغلی و مالی از مهم‌ترین نگرانی‌ها بود. حال و روز اقتصادی بشدت بر امید به زندگی تاثیرگذار است چون در شرایط بحرانی مردم نمی‌توانند چشم‌اندازی درستی برای خود ایجاد کنند و همین امیدشان را به یاس تبدیل می‌کند. ضعیف شدن بنیه اخلاقی یکی از دلایل دیگری برای کم‌رنگ شدن امید اجتماعی است.

دوری از آدم‌های نق‌نقو

به دکتر چلک می‌گویم: برخی افراد هر چقدر شرایط اجتماعی و اقتصادی ناامیدکننده باشد اما تلاش می‌کنند شرایط را بهتر کنند. این آدم‌ها را آدم‌های امیدوار می‌نامیم، ریشه خوش‌بینی آنها در چیست؟

وی می‌گوید: انسان بدون امید نمی‌تواند زندگی کند. امید باعث تلاش و تکاپور می‌شود و زندگی را به حرکت می‌آورد، اما سوال این است که با امید چقدر می‌توانیم به آینده باثبات‌تر دست پیدا کنیم؟ این جاست که امید فردی به امید اجتماعی گره می‌خورد و تفکیک آنها از هم سخت می‌شود. امید فردی ارتباط مستقیم به سبک زندگی و نوع نگرش افراد در خانواده و اطرافیان دارد. محیط‌هایی که افراد در آن قرار می‌گیرند در نگرش آنها تاثیرگذار است؛ محیط‌هایی مانند خانواده، مدرسه، محل زندگی و کار، دانشگاه و.... وقتی ما مدام با آدم‌هایی سروکار داشته باشیم که مرتب نق می‌زنند، طبیعی است که همان کورسوی امیدی که برای خودمان باز کرده‌ایم هم بسته شود. رفتار والدین و نوع برخورد آنها با مسائل، اولین چشم‌اندازهای زندگی کودک را شکل می‌دهند، هرچند بچه‌ها هر چه بزرگ‌تر می‌شوند به دلیل گستره ارتباط‌شان و دریافت اطلاعات بر نوع نگرش آنها تاثیر می‌گذارد و هر چه بزرگ‌تر می‌شوند بیشتر فرق بین آنچه به آنها گفته شده و واقعیت اجتماعی را درک می‌کنند.

خودمراقبتی را جدی بگیریم

به دکتر چلک می‌گویم در جامعه امروزی به‌دلیل مشکلات زیادی که وجود دارد، افراد مثبت‌نگر گاهی مورد تمسخر قرار می‌گیرند و همین باعث می‌شود فرد با چالش‌هایی روبه‌رو شود و حتی گاهی از جمع فاصله بگیرد....

می‌گوید: مثبت‌نگری یکی از ضرورت‌های جامعه امروزی ماست. یکی از مهارت‌هایی که باید همه یاد بگیرند، خودمراقبتی است. یکی از راه‌های تقویت خودمراقبتی، مثبت‌نگری است. روان‌شناسی مثبت‌نگری در دنیا طرفداران زیادی دارد چون افراد به مرور و با کسب دانش تجربه‌های فردی یاد می‌گیرند برای زندگی بهتر، مثبت‌نگری یک الزام است. البته این را هم باید بگوییم که مثبت‌نگری به معنای نادیده گرفتن کمبودها نیست. گاهی افراد برای مسائل کوچک بی‌تابی می‌کنند؛ مسائلی که بر کلیت زندگی آنها تاثیر چندانی ندارد و اینها باعث ایجاد اختلالات روانی می‌شود و پژوهش‌ها نشان می‌دهد مردم جامعه ما بیش از آن‌که مثبت‌نگر باشند دنبال مشکلات و بزرگ‌نمایی آنها هستند. مسائل جزئی آدم‌های مثبت‌نگر را عصبانی نمی‌کند. آنها نیمه پر لیوان را می‌بینند اما برای پر کردن نیمه پر هم تلاش می‌کنند. آدم‌های مثبت‌نگر اتفاقا مطالبات اجتماعی بالایی دارند و معمولا سکوت یا خودخوری و دیگرآزاری ندارند اما آنها بلدند در حالی که مطالبه‌گر هستند و برای آینده بهتر تلاش می‌کنند، رفتار خود را هم مدیریت کنند. این مدیریت باعث می‌شود که تاب‌آوری اجتماعی آنها افزایش یابد. سازگاری آنها با جامعه و داشته‌هایشان به این معنی نیست که ظلم‌پذیر هستند، آنها به‌دنبال حق هستند اما قبل از این‌که مطالبه‌گری را شروع کنند، پرس‌وجو می‌کنند که حق چیست؟ این روش را می‌گویند مسؤولیت‌پذیری اجتماعی که اتفاقا در آدم‌های مثبت‌نگر خیلی بیشتر از آدم‌های منفی‌گراست.

رابطه امیدواری با عملگرایی

دکتر چلک می‌گوید: آدم‌های مثبت‌نگر بیشتر عملگرا هستند؛ چون باور دارند که باید برای تغییرات بهتر دست به عمل بزنند برای همین است که نوعدوستی در آنها بیشتر است. در زمان بحران‌های اجتماعی و بلایای طبیعی دست به اقدام می‌زنند و این اصلا ربطی به میزان داشته‌های آنها ندارد. آنها تفکرشان پر از امید به زندگی است برای همین در زمان زلزله، سیل و... به جای نق زدن دست به کار می‌شوند و کمک می‌کنند در عین حال کمبودها را هم به چالش می‌کشند و مطالبه‌گری می‌کنند. مثلا می‌روند به سیل‌زده‌ها کمک می‌کنند اما این سوال را هم از مسؤولان می‌پرسند که چرا به وظایف خود عمل نمی‌کنند. ایمان و توکل یکی از تکیه‌گاه‌های آدم‌های امیدوار است. آنها به خدا ایمان دارند و چون او را قادر مطلق می‌دانند، باور دارند عاقبت روزنه‌ای پیدا و مشکلات حل خواهد شد. رضایتمندی در آدم‌های امیدوار و مثبت‌نگر زیاد است. این ربطی به میزان داشته‌های مالی و مادی آنها ندارد. هرچند همه اینها بستگی به معیار و خط‌کشی دارد که آدم‌ها در زندگی انتخاب می‌کنند. برخی آدم‌ها از رفاه بالایی برخوردارند اما شاخص امیدواری در آنها پایین است و عکس این قضیه هم وجود دارد. باز هم تاکید می‌کنم امیدواری و مثبت‌نگری رابطه مستقیم با انتخاب آدم‌ها دارد و در شرایط سخت اجتماعی آدم‌ها باید مهارت خودمراقبتی را یاد گرفته باشند تا تاب‌آوری‌شان قوی‌تر شده باشد و در این میان امید حرف اول را می‌زند.

مقطع حساس‌کنونی

مشهورترین کمدین از کجا شروع کرد

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

در یکی از شهرهای نواحی مرکزی یکی از کشورهای همسایه، مردی که ادعا می‌کرد کارهای محیرالعقولی انجام می‌دهد که کلک و شعبده‌بازی نیست و جادو و معجزه و کرامت و از این قبیل است، توانست جمعی مرید و هوادار پیدا کند که به وی استاد می‌گفتند و هر دستوری می‌داد اجرا می‌کردند و در مقابل خانه وی تجمع کرده بودند و با صدای بلند استاد استاد می‌گفتند. مأموران امنیتی یک‌شب وقتی مریدان و هواداران وی خواب بودند وی را به‌طور مخفیانه دستگیر کردند و به مقر خود بردند. فرمانده ماموران سراغ وی رفت و گفت: حرف حسابت چیست؟ وی گفت: حرف خاصی ندارم. فرمانده ماموران پرسید: پس چرا این‌همه آدم دور خودت جمع کرده‌ای؟ وی گفت: خودشان جمع شدند. فرمانده ماموران پرسید: چرا دور من جمع نمی‌شوند؟ چه‌کار کردی که جمع شدند؟ وی گفت: کرامت‌های مرا دیدند و جمع شدند. فرمانده ماموران پرسید: یکیش را بگو. وی گفت: من در آب سنگ می‌اندازم، سنگ در آب حل می‌شود. فرمانده ماموران دستور داد یک لگن آب و مقداری سنگ بیاورند. وقتی آوردند، وی سنگریزه‌ای از جیب خود درآورد و داخل لگن انداخت و حل شد. فرمانده ماموران گفت: از سنگ‌های خودت نه، از سنگ‌های ما بینداز. وی گفت: آیا وقتی حضرت موسی عصا را مار کرد، فرعون گفت عصای خودت نه و بیا عصای مرا مار کن؟ در اینجا بود که فرمانده ماموران فهمید علاقه اصلی وی معجزه و کرامت نیست و طنز و استندآپ‌کمدی است. در نتیجه با وی صحبت کرد تا وی را از خر شیطان پایین بیاورد و به وی قول داد اگر دست از این مسخره‌بازی بردارد او را به برنامه عصرجدید معرفی می‌کند تا بتواند از راه درست و اصولی مسخره‌بازی کند و هوادار پیدا کند. وی نیز پذیرفت و به خانه بازگشت و با چوب هواداران را زد تا پراکنده شدند و به طنز و استندآپ‌کمدی روی‌آورد و چندی بعد به یکی از مشهورترین کمدین‌های نواحی مرکزی تبدیل شد.

مرور و عبور با جام جم ۲۰ سال قبل

کوبیسم و سردرد پیکاسو

با گذشت سه دهه از مرگ پیکاسو، آثار و زندگی این هنرمند همچنان خبرساز است. مایکل فری اخیرا در سمینار بیماری سردرد که در مرکز پزشکی دانشگاه نوترلند لندن سخنرانی می‌کرد، گفت: نوعی اختلال بینایی مربوط به میگرن باعث می‌شود فرد در دیدن تصاویر، شکستی عمودی ببیند به طوری که قسمتی از شی مورد نظر از جای خود حرکت کرده و بالاتر برود و طرف چپ خط شکست بالاتر از طرف راست به نظر برسد. وی معتقد است که این مساله در برخی از نقاشی‌های پیکاسو بخصوص در صورت زنانی که توسط این هنرمند نقاشی شده کاملا مشهود است؛ هر چند هیچ مدرک مستندی که ثابت کند پیکاسو دچار میگرن بوده در دست نیست.

(صفحه ۱۶)

داستان ادامه‌دار برگزاری کنکور

جهتگیری ما در نظام آموزش عالی این است که دانش‌آموختگان از سه ویژگی اخلاق، معنویت و تخصص‌های علمی و احساس خدمت به جامعه برخوردار باشند. دکتر معین، وزیر علوم و تحقیقات و فناوری در مراسم تقدیر از نفرات برگزیده کنکور سراسری امسال گفت: یکی از سیاست‌های راهبردی برنامه سوم در آموزش عالی ایجاد قطب‌های علمی در کشور است تا این مراکز بتوانند با مراکز علمی جهان رقابت کنند. وزیر علوم با اشاره به شیوه برگزاری کنکور سراسری گفت: با توجه به تعداد متقاضیان و ظرفیت محدود پذیرش دانشجو در کشور ناچاریم آزمون ورودی داشته باشیم و نمی‌توانیم بگوییم هیچ‌گونه معیار و محکی برای سنجش وجود نداشته باشد، اما این که بگوییم بهترین شیوه همین روش است هم قابل قبول نیست.

(صفحه ۱۴)

جام جم
JAM-E-JAM Vol.1, No.113, TUE.SEP.12, 2020
هشدار معاون وزیر نیرو در امور آب:
بحران آب در نقطه پایان؛ وضع بسیار نگران کننده است
جشن سینمای ایران - همه بودند، جای شما خالی!
بانک‌های خصوصی تا یک ماه دیگر راه اندازی می‌شوند
دادگاه قتل‌های زنجیره‌ای با حضور متهمان تشکیل می‌شود
شکار چیان دختران فراری به دام افتادند

اولین‌های تاریخ سینمای ایران

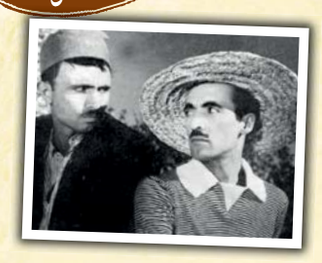

تاریخ رسمی تولد سینمای ایران، ۲۳ مرداد ۱۲۷۹ شمسی است؛ روزی که نخستین فیلمبردار سینمای ایران (ابراهیم‌خان عکاس‌باشی) تصاویری را با دوربین لومیر ثبت کرد. نخستین واردکننده سینما و لوازم فیلمبرداری به ایران مظفرالدین شاه قاجار بود. او در فرانسه به تماشای سینموفتوگراف نشست و این در حالی بود که فقط پنج سال از اختراع سینما می‌گذشت. مظفرالدین شاه دو بار به تماشای این پدیده شگفت‌انگیز رفت و بعد به عکاسباشی دستور داد همه ابزار سینما را بخرد تا با خودشان به ایران ببرند. نخستین سالن سینما، مهر ۱۲۸۳ توسط صحاف‌باشی در حیاط پشت خانه‌اش دایر شد و رمضان ۱۳۲۲ قمری سالنی ابتدای خیابان چراغ‌گاز (امیرکبیر فعلی) افتتاح کرد که می‌توان آن را اولین سالن سینمای عمومی در ایران دانست. نخستین مدرسه سینمای ایران که آموزشگاه بازیگری بود توسط آوانس آوگاتیانس راه‌اندازی شد. این مدرسه سال ۱۳۰۹ افتتاح شد و در اولین دوره آن بیش از ۳۰۰ نفر ثبت‌نام کردند. اولین فیلم صامت سینمای ایران «آبی و رابی» نام داشت و اولین فیلم ناطق «دختر لر». اولین مجله سینمایی هم «سینما و نمایشات» نام داشت که سال ۱۳۰۹ توسط علی وکیلی منتشر شد.

(صفحه ۹)

پیشنهاد ویژه: کشمش به بورس وارد شود

مصوبات جدید جلسه میز کالایی خشکبار درباره تولید و صادرات کشمش اعلام شد. در این جلسه با توجه به سهم قابل‌توجه ایران در تولید و صادرات جهانی کشمش بر ضرورت تشکیل بورس کشمش تاکید و تعیین عمده فروش داخلی کشمش، تعیین قیمت جهانی در درجه‌بندی کشمش ایران از جمله وظایف بورس کشمش توصیف شد. همچنین پیشنهاد شد برای تشویق سرمایه‌گذاری برای بسته‌بندی کشمش در باغات وزارتخانه‌های کشاورزی و تعاون، بخشش از وام‌ها با کارمزد پایین اختصاص یابد.

(صفحه ۴)

سارقی که عاشق تراکتور است

جوانی که چهار دستگاه تراکتور را به سرقت برده، روز گذشته به دستور قاضی شعبه ۲۰۲ دادگاه جنایی تهران راهی زندان شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، وی که عباس- ر نام دارد، خطاب به قاضی دادگاه گفت: کشاورز هستم و چون شناخت کافی از تراکتور دارم به اتفاق دو نفر دیگر چهار دستگاه تراکتور را سرقت کردیم و من آنها را به زنجان فرستادم. وی در ادامه گفت: آقای قاضی من علاقه زیادی به تراکتور دارم و شاید یکی از دلایل دست‌زدن به سرقت هم همین علاقه باشد! قاضی دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم، دستور دستگیری مالخرها را صادر و متهم روانه زندان شد.

(صفحه ۱۴)